

## بررسی شیوه های فرزندپروری در مقطع کودکی و نوجوانی از دیدگاه اسلام

### ایوب صلواتی

کارشناسی دینی و عربی، دانشگاه فرهنگیان شهید مفتاح شهرری

#### چکیده

فرزند پروری از جمله مباحثی است که همواره از موضوعات مورد توجه بشر بوده است. در منابع اسلامی نیز به شیوه های تربیت فرزند اشاره شده است. دانشمندان اسلامی نیز بر مبنای کلام خدا، دستورالعمل هایی در این زمینه ارائه داده اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی شیوه های فرزندپروری در مقطع کودکی و نوجوانی از دیدگاه اسلام و به روش توصیفی – تحلیلی انجام شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد اسلام دینی جامع و کامل است که در هر زمینه ای دستورالعمل های کاملی دارد؛ از جمله در زمینه تربیت فرزند نیز نیازهای تربیتی کودک را در هر مقطعی به خوبی بیان کرده و راهکارهای خوبی را ارائه داده است. در روش تربیتی اسلام از آنجا که پدر و مادر به حقیقت وجودی انسان آگاه هستند و انسان را مستعد رسیدن به همه کمالات می دانند، در نتیجه هدف از تربیت فرزندان را رسیدن به کرامت و قرب الهی و متخلق شدن به صفات خداوند سبحان می دانند.

**واژه های کلیدی:** روش های فرزندپروری، کودکان، نوجوانان، اسلام

## مقدمه

از اساسی‌ترین نیازهای انسان، تربیت است. بشر، تنها در پرتو تربیت صحیح می‌تواند مسیر زندگی را با موفقیت طی کرده و به کمال، هویت و عبودیت دست یابد. از این رو، پیامبران الهی آمده‌اند تا انسان‌ها را تربیت نمایند. انسان در سایه تربیت صحیح است که به عنوان موجودی با هدف و اندیشمند امکان دستیابی به اهداف و آرمان‌های خود را داشته و به سعادت خواهد رسید. فرزندپروری از جمله مباحثی است که در طول تاریخ، نوع بشر به آن توجه کرده و اقدام در جهت تربیت افراد، در تمام جوامع از جوامع ابتدایی گرفته تا جوامع متمدن وجود داشته است. تربیت در میان اقوام مختلف و در سیر تاریخی اش ظهور و بروز متفاوتی داشته و به شیوه‌های گوناگون اعمال گردیده است.

روان‌شناسان رشد، همواره علاقه مند بوده‌اند که چگونگی تأثیر رو‌شهای تربیتی پدر و مادر را بر رشد قابلیت‌های اجتماعی فرزندان مطالعه و بررسی کنند. یکی از مهمترین مباحث در این حوزه، فرزند پروری نامیده می‌شود. سبک‌های فرزند پروری ترکیبی از رفتارهای پدر و مادر است که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزند پروری بادوامی را پدید می‌آورند. [۱] هر خانواده‌ای شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی - اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. این شیوه‌ها متأثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. [۲]

در متون اسلامی نیز فرزند پروری فعالیتی پیچیده شامل رفتارها، زمینه‌سازی‌ها، آموز‌شها، تعامل‌ها و رو‌شهایی است که به طور مجزا و در تعامل با یکدیگر بر رشد شناختی، معنوی، عاطفی و رفتاری فرزند در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند. از دیدگاه اسلامی مسئولیت فرزند پروری در اصل به عهده پدر و مادر است تا آنجا که یکی از حقوق فرزندان به شمار آمده است. در اسلام تربیت فرزند از مهم‌ترین وظایفی است که در درجه اول به عهده پدر و مادر و سپس به عهده معلمان و مربیان نهاده شده است؛ چراکه تربیت اولاد رابطه مستقیم با صلاح و فساد جامعه دارد.

تنها مکتبی که از حین تولد انسان (بلکه قبل از تولد) تا زمان وفات او برنامه زندگی ارائه کرده، اسلام است. هیچ مکتبی در دنیا غیر از مکتب اسلام، چنین خاصیتی ندارد. تربیت در اسلام تنها انجام مناسک دینی نیست؛ بلکه پروراندن هر صفت و کمالی است که انسان به عنوان جانشین خدا بر زمین و انسان به عنوان انسان باید دارا باشد. برنامه‌ها و دستورهای تربیتی مکتب انسان ساز اسلام توسط قرآن مجید در اختیار ما گذاشته شده که متعلق به همه انسان‌ها و در همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد و کاملاً از هر نقص و ایرادی عاری است. [۳]

با توجه به اینکه کودکان و نوجوانان امروزه عهده دار مسئولیت‌های فردا خواهند بود، لذا هرگونه سرمایه‌گذاری در جهت شناخت عوامل مؤثر تربیت و ریشه‌های مذهبی آنان در واقع یک سرمایه‌گذاری اساسی محسوب می‌شود که سلامت جامعه فردا را تضمین خواهد کرد.

## پیشینه تحقیق

در این گفتار به اختصار به بیان مطالعات و تحقیق‌هایی که در این زمینه انجام گرفته است، می‌پردازیم:

پرچم و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود به مقایسه سبکهای فرزند پروری بامریند با سبک فرزند پروری در اسلام پرداخته اند و نشان دادند: «از میان روشهای تربیتی نظریه بامریند، سبک فرزند پروری مقتدرانه نزدیکترین روش به روش تربیتی مسئولانه در اسلام، و سبکهای فرزند پروری آسان گیرانه و غفلت از کودک به عنوان سبکهای ناسالم از نظر اسلام مطرح شده است و سبک فرزند پروری مسئولانه مبتنی بر آیات و روایات بهترین روش فرزند پروری است.»

جواد آقا محمدی، (۱۳۹۲)، در مقاله ای با عنوان "بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان" به نتایج زیر اشاره کرده است. یافته های پژوهش نشان میدهند که نگرش مذهبی والدین در تربیت دینی فرزندان تأثیر مستقیم داشته و رعایت آداب دینی از سوی والدین با تربیت دینی فرزندان آنها رابطه معناداری دارد. نتایج پژوهش رابطه بین ساده زیست بودن والدین با تربیت دینی فرزندان را در سطح قابل قبولی نشان داد. همچنین بین سطح سواد والدین و تربیت دینی فرزندان آنها اختلاف معناداری مشاهده نشده است.

نتایج پژوهش فاطمی نیک و صفایی مقدم (۱۳۹۴) در بررسی شیوه های فرزندپروری در اسلام نشان داد: «از دیدگاه اسلام، مسئولیت اصلی تربیت فرزند بر عهده ی پدر و مادر است تا آن جا که یکی از حقوق فرزندان به شمار آمده است و پدر و مادر باید برای آموزش و تربیت فرزند بهترین شیوه ها را به کار گیرند. درمتون و احادیث اسلامی اشارات فراوانی به شیوه ی تربیتی مطلوب و شیوه ی تربیتی آسیب زا و پیامدهای آن شده است به طوری که برطبق روایات، معیار شیوه ی فرزند پروری فطرت خود فرزند می باشد و والدین موظفند براساس آن برنامه ریزی تربیتی کنند.»

## روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی شیوه های فرزندپروری در مقطع کودکی و نوجوانی از دیدگاه اسلام، به شیوه توصیفی و از نوع کتابخانه ای انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد.

## یافته های تحقیق

با وجود اینکه امکان تربیت فرد در دوره های مختلف زندگی میسر است، اما ارزش و اهمیت تربیت در دوران کودکی با دوره های دیگر زندگی قابل مقایسه نیست. در این دوران جسم و جان کودک برای پذیرش هر تربیت خوب و بد آماده است. آنچه انسان در کودکی می آموزد، در اعماق جانش نفوذ می کند و تا پایان عمر می تواند، به آسانی به کار بندد. [۴] از این رو توجه به تربیت کودک در این دوره ضروری است.

تربیت در لغت از ماده "ربا" به معنی "زاد و نما"، "نمو" گرفته شده است. همچنین تربیت از کلمه "رب" به معنی مالک، سید و مربی اشتقاق می یابد و اینگونه معنی می شود: انجام وظیفه کردن به شیوه نیکو و پسندیده.

با در نظر گرفتن مفهوم لغوی، تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعداد های نهفته اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند. به طور کلی مقصود تربیت فرزند به طور خاص آن است که مربی، اعم از پدر و مادر، معلم و... فرزندان را در بعد روحی و اخلاقی در جهت سعادت و کمال مطلوب پرورش دهد به گونه ای که جسم و جان و عقل و علم او افزایش یابد و در این باره به طوری انجام وظیفه نماید که آنچه به مصلحت اوست از امور مربوط به دین و دنیای وی، انجام پذیرد. [۵]

تربیت فرزند به معنای فراهم آوردن مقدمات لازم برای به فعلیت رسیدن قوای و در راه تقرب به خداوند است. این عمل نیازمند آگاهی و تمرین عملی است. اگر پدر و مادر در انتقال عقاید صحیح و ایجاد رفتار درست در فرزند خود کوشا باشند، خیر او را فراهم می کنند و مشمول رحمت خداوند قرار می گیرند. درباره عقاید صحیح و انتقال آن به فرزندان، تکلیف بزرگی بر عهده پدر و مادر گذاشته شده است؛ زیرا تأثیر عقایدی که در خانواده رواج دارد و به فرزند القا می شود، در آینده او غیر قابل انکار است.

سالیان سال، مردم، تعلیم و تربیت را تنها بر مبنای آموزه های فلسفی و اخلاقی بنا می نهادند و می کوشیدند که به هر روش ممکن، به اهداف و غایات ترسیم شده در فلسفه و اخلاق برسند. اهدافی که در غالب فرهنگ جهت رسیدن به اهداف تربیتی، باید موضوع تربیتی، باید موضوع تربیت، یعنی انسان- که موجودی پیچیده و ذو ابعاد است- را بیش از پیش بشناسند، پس با این ذهنیت و با توجه به پیشرفت دانش بشری در زمینه های زیست شناسی جامعه شناسی و روانشناسی، تأثیر این علوم در تعلیم و تربیت، روز به روز بیشتر و آشکارتر شد. البته روشن است که هیچ یک از این دانش ها به صورت مستقل و مستقیم، تعلیم و تربیت نیست، بلکه وسیله ایست برای هموار نمودن راه تربیت.

تربیت فرزند محصول عوامل مختلفی است از جمله: [۶]

## ۱. وراثت:

موجودات زنده ویژگی ها خصایصی را از والدینشان به ارث می برند.

## ۲. ساختار اجتماعی:

محیط اجتماعی مجموعه هایی نظیر مدرسه، دانشگاه، همسالان، رسانه ها و مطبوعات را در بر می گیرد.

## ۳. محیط طبیعی:

گروهی از دانشمندان قدیم و جدید و تاثیر آب و هوا در تربیت و شخصیت فکری-روحی آدمیان تاکید دارند.

**۴. نظام آموزش و پرورش:**

تربیت را از یک منظر می‌توان به ابعاد رسمی و غیره رسمی تقسیم نمود منظور از تربیت رسمی برنامه‌ها و فعالیت‌هایی است که نهاد آموزش و پرورش آگاهانه درباره فراگیران انجام می‌دهد که سازمان و تشکیلات قوانین و مقررات برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های مکمل و فوق برنامه است.

**۵. اراده خودساز شخصیت:**

یکی از خصایص منحصر به فرد آدمی آزادی و اراده به کارگیری آن در موقعیت‌های زندگی است در نگاه علامه طباطبایی آزادی ناشی از یک اصل طبیعی و تکوینی به نام اراده است که در نهاد انسان به ودیعه‌گزارده شده تا انسان‌ها را به عمل وادارد.

**۶. خانواده:**

در دوران کودکی خانواده بیش از هر عامل دیگری در تکوین شخصیت کودک اثر گذار است به گونه‌ای که می‌توان آن را عاملی بی‌دلیل نامید.

**شیوه‌های فرزندپروری از منظر روانشناسان**

هر یک از مکاتب روان‌شناسی بر اساس کارکردهای آموزشی و تربیتی خانواده و مبانی و اصول خود و بر حسب تأکیدی که بر یکی از ابعاد رفتاری، انگیزشی، شناختی و... دارند، الگو و روش خاصی در فرزندپروری و تربیت معرفی می‌کنند. در سه دهه اول قرن بیستم، روش‌های تربیت فرزند (فرزندپروری) با الهام از مکتب رفتارگرایی، در صدد ایجاد عادات خوب و برطرف ساختن عادات بد بود. پس از دهه ۱۹۴۰ م، شیوه و رابطه‌ی والدین و فرزند به سوی سهل‌گیری و انعطاف‌پذیری بیشتر تحول یافت و متأثر از مکتب روان‌تحلیل‌گری بر امنیت عاطفی کودک و پرهیز از زیان‌های ناشی از کنترل شدید تکانه‌های طبیعی تأکید گردید. به والدین توصیه شد که از حس طبیعی خود پیروی و از برنامه‌های انعطاف‌پذیر در تربیت فرزند استفاده کنند که با نیازهای خودشان و کودکان سازگاری بیشتری دارد. با این حال، در حال حاضر پژوهشگران معتقدند که سهل‌گیری، روش مناسبی برای تربیت فرزند نیست؛ از این رو، شیوه‌سومی پیشنهاد می‌کنند که حد فاصل دو روش دیگر باشد که از افراط‌گرایی روش اول به دور است و دچار تفریط روش دوم نیز نمی‌گردد. [۷]

شیوه‌های فرزندپروری شامل دو معیار اصلی هستند: محبت و کنترل والدین. کنترل میزان سفت و سخت بودن قواعد و توقع والدین از فرزندانشان است. محبت نیز شامل صمیمیت، علاقه، مهربانی و عاطفه والدین است.

**۱. الگوی سهل‌گیرانه**

در این الگو، والدین سهل‌گیر نسبت به کودکان خود به صورت افراطی پذیرش و پاسخ‌دهی دارند اما در مقابل از کودکان خود توقعی نداشته و در آموزش رفتارهای اجتماعی به فرزند خود سهل‌انگار هستند. در این خانواده‌ها نظم و قانون خاصی حکم

فرما نبوده و تعهد اعضای خانواده نیز به قوانین و آداب و رسوم اجتماعی بسیار کم است. والدین سهل گیر از نظر کنترل کودکان، بسیار ضعیف عمل کرده و اجازه می دهند تا کودک هر رفتاری که می خواهد داشته باشد. در این خانواده ها اعمال مقررات اهمال کارانه بوده و نهاد خانواده از هم گسسته است. این والدین از نظر انضباط کودک نیز دارای نگرش های متعارض هستند. عدم وجود خواسته های معقول و منطقی به همراه خودداری از ارائه دلیل و درگیر شدن با کودک همواره از ویژگی های این شیوه محسوب می شود.

در این الگوی فرزندپروری، فرزندان والدین سهل گیر بسیار ناپخته بوده و در کنترل تکانه هایشان دچار مشکل می باشند و در صورتی که لازم است کاری را برخلاف تمایلاتشان انجام دهند، با آن مخالفت کرده و بسیار پرتوقع بوده اند. چنین والدینی به امور تحصیلی فرزند خود بی توجه بوده و آنان را به حال خود رها می کنند. [۸]

والدین این گروه اطلاعات کمی در زمینه های مختلف از فرزندانشان دارند. آزادی عمل، بی احترامی به والدین، خود برترینی، بی بند و باری، لابلالی گری، سهل انگاری، خودخواهی و بی هدف از خصوصیات آن است. دین داری در چنین الگویی از آنجا که با هیچ آموزش و کنترلی برخورداری نیست کودکان را به سوی بی تفاوتی و سهل انگاری در تربیت دینی هدایت میکند و اگر فرزندی در چنین خانواده هایی مقید به آموزه های دینی باشند میتوان آن را یک استثناء دانست. والدین سهل انگار چون هیچ کنترل بیرونی بر فرزندان خود ندارند و اجازه میدهند هر کاری که تمایل دارند انجام دهند فرزندان بیشتر در معرض رفتارهای تکانشی و ضد اجتماعی قرار گیرند.

## ۲. الگوی مستبدانه

در روش فرزند پروری مستبدانه، والدین با توقع بالا و پذیرش پایین می باشند. این دسته از والدین قوانین خود را به شکلی غیر منعطف بر فرزندان تحمیل کرده و از منظر تربیتی بسیار خشن و تنبیه کننده هستند. ابراز محبت و صمیمیت آنها نسبت به فرزندان پایین بوده و امیال و خواسته های کودک خود را در نظر نمی گیرند. فرزندان چنین والدینی دارای عدم ثبات در تفکر و بوده و روحیه ناپایداری دارند و در برابر فشارهای روانی بسیار آسیب پذیرند. [۹]

در این شیوه فرزندپروری، والدین بسیار متوقع بوده و خواستار اطاعت بی چون و چرای فرزندان از خود می باشند و به ندرت دلایل خود را توضیح داده و اغلب موارد به زور متوسل می شوند. [۱۰] کودکانی که دارای والدین مستبد هستند، مضطرب و گوشه گیر بوده و وقتی با همسالانشان تعامل میکنند، در صورت ناکامی واکنشی خصمانه دارند

در این روش پرورشی، نسلی خشمگین، نگران و مضطرب، ترسو و افسرده و در یک کلام سرشار از احساس گناه و مبتلا به انواع آسیبهای اجتماعی خواهد بود. روشی که بی محبتی، سرزنش، انتقاد و سخت گیری استوار است. در این خانواده ها دستورات صادر میشوند، بدون آنکه هیچ توضیح، توجیه یا دلیلی برایشان مطرح شود. حسادت، انتقام، خودخواهی، خشونت، عصبانیت از جمله پیامدهای چنین الگویی است. طبیعتاً چنین خانواده هایی در تربیت دینی فرزندان خود نیز بسیار سخت گیر و به شدت آمرانه عمل میکنند. دین داری فرزندان در چنین فضایی متأثر از ترس و تنها برای جلب رضایت والدین است.

## ۳. الگوی مقتدرانه

والدینی که از این الگوی فرزندپروری پیروی می کنند، به فرزندان خود استقلال و آزادی فکری داده و در عین داشتن نوعی محدودیت و کنترل بر روی فرزندان، آنها را تشویق می کنند. در تعامل کودک و والدین در خانواده هایی با والدین مقتدر، اظهار نظرها و ارتباط اخلاقی وسیع وجود دارد و گرمی و صمیمیت والدین نسبت به کودک در سطح بالاست. والدین قاطع و اطمینان بخش علاوه بر عهده دار شدن نقش پدر و مادری، مسئولیت تربیت فرزندان را نیز تقبل می کنند و همواره سعی می کنند که با کسب آگاهی های تربیتی بیشتر، فرزندان خود را به نحوی درست تربیت نمایند.

این روش بهترین شیوه تربیتی فرزندان و تعامل با آن ها است. والدین مقتدر درخواست های معقولی برای پختگی دارند و این درخواست ها را باتعین محدودیت ها و اصرار بر اینکه کودک باید از آن ها تبعیت کند، به اجرا می گذارند. این دسته از والدین در عین اینکه صمیمیت و محبت خود را به فرزندان ابراز می دارند، صبورانه به نظرات آنها نیز گوش فراداده و آنها را در تصمیمات خانوادگی نیز مشارکت می دهند. فرزندان والدین مقتدر از تربیت خوبی برخوردارند و همواره شاد و سرحال بوده و از موفقیت تحصیلی بالاتری نیز برخوردارند. همچنین والدین از لحاظ پاسخ دهی و توقعات نیز در سطح بالایی قرار دارند.

در این شیوه، محبت در کنار قاطعیت اعمال شده و خواسته های والدین با اهدافی مشخص تعیین شده و آنها دلائل رفتارهای خود را به فرزندان توضیح می دهند. در زمینه دینداری نیز این والدین با توضیح فواید و کارکردهای دین داری و بیان اثرات بی تفاوتی نسبت به اعمال دینی کودکان خود را با روشی منطقی و مستدل با شناختی بهتر به دین داری تشویق می کنند. فرزندان در چنین خانواده هایی از اعتماد به نفس و استقلال بالا و غیر هیجانی برخوردارند. والدین با شیوه فرزند پروری اقتدار منطقی دارای فرزندان بهنجار بوده که مستقل هستند و برای رفتارهای خود اندیشه می کنند [۱۱]

## ۴. الگوی مسامحه کارانه و بی تفاوت

در این روش، والدین از نظر پاسخ دهی و توقع در سطح پایینی بوده و هیچ درخواستی از فرزندان خود ندارند. آن چیزی که این والدین را از والدین سهل گیر متمایز می کند، این است که نسبت به فرزند خود بی مسئولیت بوده و کمتر به آنها میرسند و بیشتر بر نیازهای خود متمرکز می باشند.

## شیوه های فرزند پروری از منظر اسلام

در منابع اسلامی مراحل رشد و تربیت انسان در ابعاد مختلف جسمانی و روحانی و مادی و معنوی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم مراحل آفرینش انسان را از نقطه آغازین خلقت تا زمانی که به صورت گیاه سپس به مواد غذایی، خون و نطفه مبدل شود تا هنگامی که در عالم جنین به صورت علقه و مضغه و... درآید و آماده افاضه روح گردد، متذکر می شود. تربیت تکوینی الهی طی این مراحل، او را همراهی می کند. همچنین قرآن پس از ولادت به بیان سه مرحله رشد یعنی کودکی، جوانی و بزرگسالی می پردازد که در اینجا پای مسئولیت تربیت انسان به میان می آید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ ۖ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». اوست خدایی که شما را از خاک (ناچیز) بیافرید و سپس از قطره آب نطفه و

آن گاه از خون بسته علقه، پس شما را (از رحم مادر) طفلی بیرون آورد تا آنکه به سنّ رشد و کمال برسید و باز پیری سالخورده شوید و برخی از شما پیش از سنّ پیری وفات کنند و تا همه به اجلی معین برسید و (این چنین کردیم تا) مگر (قدرت خدا را) تعقل کنید. « (غافر ، ۶۷)

از منظر اسلام، رشد سه مرحله هفت ساله دارد که تا بیست و یک سالگی به نقطه اوج می رسد. تربیت انسان از تولد تا بیست و یک سالگی، در سه مرحله گنجانده شده و برای هر سه مرحله، مدت زمان یکسان، یعنی هفت سال در نظر گرفته شده است که عبارت اند از:

## ۷ سال اول : دوره تکوین است

پرورش مذهبی در حقیقت از همان روز تولد با گفتن اقامه و اذان در دو گوش کودک آغاز می شود و بتدریج این آموزش ها تا ۳ سالگی تکامل می یابد. مرحله رشد دیگری از ۵ سالگی آغاز می شود که در این مرحله باید متوجه تفاوت کودکان در امر رشد و نمو بود .

بر اساس آیات و روایات، سال های اول زندگی کودک اهمیت بسیار زیادی دارد و توصیه های متعددی در این زمینه شده است . نیازهای اساسی کودک در این دوران از زندگی باید مورد توجه قرار بگیرند . یکی از مهمترین نیازهای کودک در دو سال اول زندگی، نوازش و مهربانی است . آرامش ، نیاز اساسی دیگر کودک در این زمان به شمار می آید. پیامبر اکرم (ص) می فرمایند : « أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا عَادَابَهُمْ يَغْفِرْ لَكُمْ . فرزندانتان را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید تا آمرزیده شوید . » [۱۲]

## ۷ سال دوم ، دوره پرورش دینی است

در این دوره است که کودک از حکم وضعی به حکم تکلیفی باید عمل کند. علاوه بر آموزش اعمال واجب اعم از روزه و نماز در ۷ سالگی ، امام صادق (ع) در زمینه تعلیم احادیث اسلامی می فرمایند: « احادیث اسلامی را به فرزندان خود هر چه زودتر بیاموزید ، قبل از آن که مخالفان بر شما سبقت گیرند . » [۱۳] . امام صادق (ع) درباره روزه گرفتن کودکان می فرمایند: « ما به کودکان خود در ۷ سالگی می آموزیم که هر قدر طاقت دارند، نصف روز باشد ، یا بیشتر و یا کمتر روزه بگیرند و هرگاه گرسنگی بر تشنگی بر آنان غلبه کرد، افطار کنند ، تا این که به روزه گرفتن عادت کنند و آن را تحمل نمایند. پس شما از کودکان خود بخواهید که در ۹ سالگی هر قدر که طاقت روزه دارند، روزه بگیرند و هرگاه که تشنگی بر آنان غلبه کرد، افطار کنند . » [۱۴]

ایمان واقعی به مذهب از حدود ۱۲ سالگی در کودک پیدا می شود و در این سن تا حدود قابل توجهی می توان معنای اصیل مذهب را به او منتقل کرد. ضمنا مبانی اخلاقی و تربیتی ، به آداب معاشرت و رسوم و سنن در همین دوره باید به کودک آموزش داده شود. پایان این دوره همزمان با دوره نوجوانی است و کودک با تجاربی که در زمینه های مختلف به دست آورده ، تاحدی به فردی مستقل و صاحب نظر تبدیل می شود. در نظر داشته باشیم که آموزش کدک در این سن می بایست با احترام و آرامش صورت گرفته و سعی کنیم کودک با قناعت کافی به امر یادگیری بپردازد .



## ۷ سال سوم، دوره تمرین و عمل است

در این دوره نیز که خود به ۳ مرحله پایانی نوجوانی، دوران بلوغ و دوره جوانی تقسیم می شود، بیشتر توجه والدین باید به دوران بلوغ باشد که دوره رشد احساسات و نوعی تولد مجدد است و دوره ای است که نیاز آنان به راهنمایی، به اوج خود می رسد. ایمان به مذهب از ۱۶ سالگی اوج می گیرد و در صورتی که به الگوی کاذبی برخورد کردند، در جنبه مذهب، خطراتی برایشان وجود خواهد داشت. پایان بلوغ و از حدود ۱۸ سالگی، دوره استقلال تقریبی است. دقت و استدلال منطقی در او رشد می کند و می توان از این طریق به آموزش مذهبی و دینی او بیش از قبل پرداخت.

وزیر بودن، همراهی با پدر و مادر، یادگیری حلال و حرام و دشمنی یا دوستی با پدر و مادر از خصوصیات کودک در این مرحله ذکر شده است. در این دوره هرکس بنا به سنت الهی باید مسئولیت کارهای خویش را بپذیرد. در مرحله مزبور فرزند از حلال و حرام آگاهی می یابد و برای اعمال او، ثواب و عقاب در نظر گرفته می شود. از این رو، در برنامه های تربیتی اسلام، به جوانان عنایت بسیار شده استفاده صحیح از زمینه های فطری، ایمانی، عقلی و عاطفی آنان، مورد توجه قرار گرفته است.

## مبانی اسلامی تربیت

## ۳-۱. عبادت

عبادت یعنی «انجام کاری به انگیزه و قصد تقرب الی الله» بنابراین روح عبادت و انگیزه اصلی آن قرب الهی است. در اصطلاح عبادت بر دو نوع است: عبادت خاص و عبادت عام. عبادت خاص صرفاً شامل اعمال شرعی خاصی نظیر نماز و روزه می شود که در اصطلاح علم اصول «تعبدی» مقابل «توصلی» نامیده می شود. اما عبادت عام به معنای «هرگونه عملی است که به انگیزه قرب الهی انجام می گیرد» که در حقیقت شامل معنای عبادت خاص نیز می شود. در نتیجه عبادت به عنوان یگانه راه رسیدن به قرب الهی بوده و هرگونه عملی که مقدمه قرب باشد مانند گرایشها و تمایلات دارای کمال مقدمی است. [۱۵]

## ۳-۲. بینش و بصیرت

بصیرت در لغت به معنای بینش و بینایی است و در اصطلاح روشن بینی در دین است. چون بصیرت چراغ راهی است که در تاریکی ها راه را بر انسان روشن می سازد و او را از خطر افتادن و لغزش نگه می دارد. برای کسب بصیرت در دین باید در دو ناحیه تلاش کرد:

۱. ناحیه علم و آگاهی: آشنایی و آگاهی هر چه بیشتر انسان با معارف و آموزه های دینی و الهی و با محتوای پیام خداوند و قرآن کریم و گفتار و عمل و سیره معصومین منجر به فراهم شدن زمینه بصیرت و روشن بینی در دین برای افراد می گردد. در این زمینه مطالعه و تفکر در اصول اعتقادی به این امر کمک می کند.

۲. ناحیه عمل و بکار بستن آگاهی ها: عمل به هر آنچه از آموزه های دینی فراگرفته شده است بخصوص انجام واجبات و ترک محرمات که درجه ای از تقوی و پرهیزگاری می باشد، نقش موثری در دستیابی به بصیرت و روشن بینی دارد و اصولاً

بصیرت از آثار مستقیم تقوا و پرهیزگاری است. [۱۶] بنابراین تربیت اسلامی مستلزم عمل گرایی و برخورداری از روحیه تلاش و فعالیت و مجاهدات در راه خداست

### ۳- ۳. علم و دانش

می توان بطور خلاصه علم را چنین تعریف نمود: «حضور شیء یا صورت آن نزد عالم». حضور خود شیء در علم حضوری است و حضور صورتش در علم حصولی. [۱۵] بنابر تعریف دیگر علم نقطه مقابل جهل و به معنای وضوح و ثبوت چیزی آمده است. از نظر اسلام علم فریضه ای است که دارای هیچ محدودیتی از نظر معلم و فراگیر و زمان و مکان نیست و این برترین سفارشی است که می توانسته بشود. [۱۷]

### ۳- ۴. تفکر و تعقل

تفکر به معنای «رسیدن به مجهول و حل آن از طریق معلومات متناسب» در اسلام پایگاه ارزشمندی دارد. از نظر اسلام انسان با کمک گرفتن از عقل عقل و اندیشه خود می تواند به عمق مسائل پی ببرد. تاکید قرآن و روایات نیز بر پرورش این توانایی و استفاده از آن، نشان از نقش موثر عقل در فهم و درک حقایق و تکالیف دینی دارد. در صورتی که به این شاخص زیربنایی توجه نشود، ریشه ها و بنیه اصلی دینداری دچار ضعف و سستی خواهد شد.

### ۳- ۵. ولایت پذیری

ولایت از ماده ولی به معنای قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است به نحوی که فاصله ای در کار نباشد، یعنی اگر دو چیز آنان چنان به هم متصل باشند که هیچ فاصله ای در میان آنها نباشد ولی به کار برده می شود. [۱۸] در تعریف دیگر ولایت به معنی تصدی و صاحب اختیاری است و از نظر اسلام دو نوع ولایت وجود دارد:

۱. ولایت منفی که اجتناب از همدلی با کفار و منافقان و طاغوت است.
۲. ولایت مثبت که در راستای ولایت الهی است.

مفهوم ولایت پذیری به معنای تسلیم بی قید و شرط در برابر نظام حاکم و زور پذیری نیست، بلکه به معنای قبول حاکمیت علم و عدالت و مشارکت برای تحقق شایسته سالاری و اشراف نخبگان ذی صلاح بر زمام امور جامعه است. این شاخص بویژه در جوامعی که در گذشته از حاکمیت زورگویان و دیکتاتورهای رنج برده است و خود به خود روحیه ای ضد نظام سلطه و زورگویی در لایه های درونی و ذهنی جامعه شکل گرفته است، از اهمیت ویژه ای برخوردار است و ضروریست تعمیق و تعمیم ولایت پذیری مبتنی بر بصیرت و معرفت و تعقل و نقادی در جامعه انجام پذیرد.

### ۳- ۶. تعهد و مسئولیت شناسی اجتماعی

مسئولیت اجتماعی و احساس وظیفه در برابر جامعه از مهم ترین شاخصه های تربیت اسلامی به شمار می آید. مسئله امر به معروف و نهی از منکر که برگرفته از رابطه برادری اسلامی است و لازمه حفظ و حراست از حدود الهی در جامعه را بر عهده دارد، نشان دهنده اهمیت این شاخص است. اسلام فرد را هم در برابر خودش و خداوند و هم در برابر اجتماع مسئول و متعهد

می داند. امر به معروف و نهی از منکر همین است که: «ای انسان تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسئول نیستی تودرمقابل اجتماع خویش هم مسئولیت و تعهد داری.» [۱۸] انفاق و تأمین مایحتاج نیازمندان آن هم بدون منت و آزار روحی به آنان، اصلاح بین مردم در منازعات و اختلافات و توجه به یتیمان و افراد بدون سرپرست از مصادیق دیگر این شاخص مهم است که در آیات قرآن بر روی آن تأکید شده است.

### روش‌های تربیت فرزندان در سیره اهل بیت

اهل بیت علیهم السلام نیز به تربیت فرزندان خود اهتمام وافری می‌ورزیدند؛ زیرا عبودیت، سعادت و طی مسیر پُرفراز و نشیب زندگی فرزندان، نیازمند تربیت صحیح است. از مولفه‌های مهم تربیتی ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: [۱۹]

#### ۱. انتخاب همسر شایسته

برخی تصور می‌کنند که تربیت فرزند، بعد از تولدش آغاز می‌شود؛ حال آن‌که این امر، به زمان پیش از تولد برمی‌گردد. از این رو، در آموزه‌های دینی برای قبل و بعد بارداری زن، آداب و شرایط خاص تعریف شده است که رعایت یا عدم رعایت آن، در شخصیت و آینده فرزند تأثیر شگرفی دارد. به موجب آمار، تعداد بسیاری از کودکان ناقص‌الخلقه جهان و کودکانی که رشد مغزی، عصبی و جسمی ناقصی دارند، در دوران بارداری مادران‌شان درست تغذیه نشده‌اند. [۲۰] طبق برخی تحقیقات، علاقه‌مندی مادر به فرزند در هنگام شیردادن، در ثبات شخصیت او مؤثر است. [۲۱] به همین جهت، در روایات تأکید شده است که پیش و پس از بارداری، رعایت برخی مسائل ضرورت دارد؛ مثلاً سفارش شده که در هنگام ازدواج، برای فرزنددارشدن دعا کنیم. امام صادق (ع) می‌فرماید: وقتی قصد ازدواج داشتید، چنین دعا کنید: «اللَّهُمَّ... قَدَّرَ لِي وَلَدًا طَيِّبًا تَجْعَلُهُ خَلْفًا صَالِحًا فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَمَاتِي.» [۲۲] همچنین سفارش شده است که از خوردن لقمه و مال حرام پرهیز کنیم؛ زیرا این امر در روح و جسم فرزند تأثیر دارد. امام صادق (ع) فرمود: «آثار کسب حرام، در نسل انسان آشکار می‌شود.» [۲۲]

بر این اساس، انتخاب همسر شایسته، از مهم‌ترین زمینه‌های تربیت فرزند است؛ زیرا طبق قانون وراثت، همان‌طور که صفات ظاهری والدین و اجداد به فرزند منتقل می‌شود، رذایل و فضایل اخلاقی آنان نیز به او انتقال می‌یابد. از این رو، اهل بیت: درانتخاب همسر دقت می‌نمودند.

#### ۲. انتخاب نام نیکو

از روش‌های مهم تربیت فرزند، انتخاب اسم خوب و زیبا برای فرزند است؛ زیرا نام، وسیله‌ای برای توجه به شخصیت فرزند بوده، خوبی و بدی آن در شخصیت‌سازی فرزند اثرگذار است؛ اگر نام خوب نباشد، سبب رنجش روحی و آزرده‌گی خاطر کودک خواهد شد. پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، به نام‌گذاری فرزندان خود بسیار اهمیت می‌دادند و مقید بودند که نیکوترین و بهترین اسم را برای فرزندان خود گزینش کنند از این رو، از آغاز تولد نوزاد پسر تا روز هفتم، او را «محمد» می‌نامیدند تا از بدو تولد، روح، فکر و مغز کودک را با حضرت آشنا کرده باشند. امام صادق (ع) فرمود: «لَا يُوَلَّدُ لَنَا وَلَدٌ إِلَّا سَمَّيْنَاهُ مُحَمَّدًا فَإِذَا مَضَى لَنَا سَبْعَةُ أَيَّامٍ فَإِنْ شِئْنَا غَيَّرْنَا وَ إِنْ شِئْنَا تَرَكْنَاهُ؛ هیچ نوزادی برای ما متولد نمی‌شود، مگر این‌که نخست نام او را «محمد» می‌نامیم و پس از هفت روز، اگر خواستیم، نامش را تغییر می‌دهیم؛ وگرنه همان نام را بر او می‌گذاریم.» [۲۲]

## ۳. تربیت دینی

همان گونه که اشاره شد، تربیت فرزندان اهمیت دارد؛ اما این امر بر اساس آموزه‌های دینی، از اهمیت وافر برخوردار است؛ زیرا عمق بخشی آموزه‌های دینی در نهاد کودکان و نوجوانان، آنان را از آسیب‌های خطرآفرین و انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی حفظ می‌کند. از این رو، والدین باید به تعلیم و تربیت امور دینی فرزندان خود اهمیت دهند؛ وگرنه مسئول آینده آنان خواهند بود. اهل بیت (علیهم السلام) در یادگیری فرزندان، به برخی موضوعات دینی توجه خاص داشتند؛ از جمله: خداشناسی، تعلیم قرآن و محبت اهل بیت علیهم السلام. رسول خدا (ص) فرمود: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ» [۲۳] فرزندان‌تان را بر سه خصلت [نیکو] تربیت کنید؛ دوستی پیغمبرتان و دوستی اهل بیت او و خواندن قرآن. امام باقر (ع) نیز فرزندش را به چگونگی سپاس‌گزاری از خدوند و استغفار سفارش نمود.

متأسفانه در عصر حاضر، برخی پدر و مادرها، به تعلیم آموزه‌های دینی فرزندان خویش اهمیت نمی‌دهند و برای یادگیری رایانه و مانند آن، برای کودکان و نوجوانان خویش هزینه بسیاری می‌کنند؛ اما نسبت به نهادهای سازماری معارف دینی و معنوی آنان، کم‌توجه یا بی تفاوت‌اند.

## ۴. همسویی رفتار و گفتار

از مؤثرترین روش تربیت فرزندان، رفتارهای درست والدین است. چشم و گوش کودکان و نوجوانان، چون دریچه‌ای باز است و به خوبی می‌بینند و می‌شنوند و ذهن‌شان، چون آینه‌ای است که هر چیزی در آن انعکاس می‌یابد؛ با این تفاوت که آینه، تصویر اشیا را در خود نگه نمی‌دارد؛ ولی ذهن کودکان و نوجوانان، این‌ها را در خود نگه می‌دارند و الگو قرار می‌دهند. بنابراین، والدین باید مراقب باشند تا بین گفتار و عمل‌شان تناقض به وجود نیاید. اهل بیت (علیهم السلام) برای تربیت فرزندان خود، از اصل «خودسازی، مقدم بر دیگرسازی» بهره می‌گرفتند؛ یعنی قبل از آن‌که به فرزندان خویش بگویند فلان کار را انجام دهند، خود انجام می‌دادند و بین گفتار و رفتارشان هم‌خوانی وجود داشت.

## ۵. مهرورزی

محبت، در تربیت کودکان و نوجوانان نقش کلیدی دارد. کودکان، بیشتر از بزرگ‌ترها به محبت نیاز دارند. آنان چندان توجهی ندارند که در کوخ زندگی می‌کنند یا کاخ؛ اما در این جهت که محبوب دیگران هستند یا نه، حساسیت دارند. افزون بر آن، محبت در مقاوم‌سازی کودکان و نوجوانان در برابر ناهنجاری‌ها بسیار مؤثر است؛ به همین جهت، از علل بزه‌کاری کودکان و نوجوانان، فقر عاطفی شمرده شده است. از این رو، اهل بیت (علیهم السلام) محبت به کودکان را، جزء بهترین اعمال دانسته‌اند. گفتنی است، از افراط و تفریط در محبت نسبت به فرزندان باید پرهیز نمود؛ زیرا محبت و نوازش‌های بی حساب، مانع برخورد فرزندان با سختی‌های زندگی می‌شود؛ چنان‌که کوچک‌ترین حادثه ناملایمی آنان را از پا در می‌آورد.

## ۶. تشویق

از جمله شیوه‌های تربیتی، تشویق است. تشویق، به منظور ایجاد انگیزه، شناسایی استعداد و قابلیت‌های کودکان و نوجوانان، امری ضروری است. چه بسا فرزندان که از توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود آگاهی نداشته باشند و والدین باید توانایی‌های فرزندان

خویش را شناسایی نمایند و آن‌ها را به دلیل انجام کارهای خوب تشویق کنند. اهل بیت: ضمن تشویق دیگران به این امر، فرزندان خود را نیز تشویق می‌کردند

## ۷. احترام

یکی از خواش‌های طبیعی نوجوانان، این است که مانند بزرگسالان به شخصیت‌شان احترام شود و به‌شایستگی مورد تکریم دیگران قرار گیرند. نوجوانان انتظار دارند که پدران و مادران و هم‌چنین بستگان و سایر مردم، آنان را به چشم یک فرد کامل نگاه کنند و در معاشرت و محاوره، و خلاصه در تمام شئون زندگی، با آنان مانند بزرگسالان برخورد نمایند. از این رو، اهل بیت: به احترام فرزندان سفارش می‌نمودند. رسول خدا(ص) فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ؛ فرزندان خود را احترام نمایید و آنان را نیکو تربیت کنید.» [۲۴]

بنابراین، فرزندان نیازمند احترام‌اند و اگر به آنان احترام نکنیم، دچار بحران هویت و انحرف‌های اخلاقی می‌شوند. نوجوانی که مورد تکریم پدر و مادر نباشد، در ضمیر خود احساس پستی و حقارت می‌نماید و همواره، از این احساس درونی رنج می‌برد. او می‌کوشد تا به هر وسیله، اظهار وجود کند و شخصیت خویش را در محیط خانواده و اجتماع اثبات نماید. جایی که از راه مشروع، به این کار موفق نشود، به کارهای غیر مشروع دست می‌زند

## ۸. رعایت عدالت

واکنش‌های متفاوت در برابر رفتارهای یکسان فرزندان، موجب کاهش علاقه به پدر و مادر و یا ایجاد کینه به خواهر یا برادری است که بیش از دیگری مورد توجه قرار گرفته است. والدین باید بکوشند، با فرزندان خود به عدالت رفتار کنند. اگر بنا به علتی، یکی از فرزندان را بیشتر دوست دارند، نباید علاقه خود را آشکار سازند؛ زیرا فرزندان به این مسأله حساس‌اند و تحمل آن برای‌شان دشوار است. در برخی خانواده‌ها، والدین میان دختر و پسر تبعیض قائل می‌شوند. بدیهی است که این‌گونه برخوردها، از نظر تربیتی آثار ویرانگری دارد و باید از آن‌ها پرهیز کرد. اهل بیت ضمن رعایت این امر نسبت به فرزندان خود، به دیگران سفارش می‌نمایند که بین فرزندان خود به عدالت رفتار کنید؛ چنان‌که دوست دارید میان شما در نیکی و لطف، به عدالت و مساوات رفتار کنند.

## ۹. موعظه

«موعظه، عملی است که در انسان حالت بازدارندگی از بدی‌ها و گرایش به خوبی را ایجاد می‌کند و سختی را از دل انسان می‌شوید و آدمی را آماده اتصاف به کمالات الهی می‌کند.» [۲۵] موعظه، اصل مهمی است که قرآن و رهبران الهی مردم و خانواده‌ها را بدان فراخوانده‌اند. در قرآن کریم از زبان لقمان حکیم می‌خوانیم: «إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ؛ و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش، در حالی که وی او را اندرز می‌داد، گفت: ای پسر من! به خدا شرک می‌آورد که به‌راستی شرک، ستمی بزرگ است.» (لقمان، ۱۳) هم‌چنین لقمان فرزندش را به نماز و امر به معروف و نهی از منکر توصیه می‌نماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ...؛ ای پسر من! نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار ...» (لقمان، ۱۷)

اهل بیت علیهم السلام نیز فرزندان خویش را موعظه می‌کردند؛ چنان‌که حضرت علی(ع) امام حسن(ع) را به خدا و معادباوری، تقواگرایی و موعظه‌پذیری سفارش کرد و فرمود: «إِنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيْ بِنَيٍّْ وَ لَزُومِ أَمْرِهِ وَ عِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَ الْإِعْتَصَامِ بِحَبْلِهِ وَ أَيْ سَبَبِ أَوْثَقٍ مِنْ سَبَبِ بَيْنِكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ إِنَّ أُنْتَ أَخَذْتَ بِهِ أَحْيَى قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ... پسر! همانا تو را به ترس از خدا سفارش می‌کنم که پیوسته در فرمان او باشی، و دلت را با یاد خدا زنده کنی، و به ریسمان او چنگ زنی. چه وسیله‌ای مطمئن‌تر از رابطه تو با خدا است، اگر سر رشته آن را در دست گیری؟ دلت را با اندرز نیکو زنده کن.» [۲۶]

### نتیجه گیری

یکی از بایسته‌های زندگی اجتماعی، تربیت فرزندان است؛ زیرا ایجاد خانواده متعادل و جامعه آرمانی، به این امر بستگی دارد. از این رو، تعلیم و تربیت فرزندان، همواره ازدغدغه‌های انسان‌ها بوده است. روش تربیت فرزندان از دیدگاه اسلام اهمیت و ارزش والایی دارد. روش فرزند پروری مبتنی بر اصولی که در آیات و روایات به آنها اشاره شده است، می‌تواند پیامدهای مثبتی در پی داشته باشد. نظریه تربیتی اسلام، مجموعه‌ای هماهنگ و یکنواخت از اصول و قواعد تربیت است که از قرآن، روایات و سنت و سیره پیامبر اسلام(ص) و امامان معصوم(ع) گرفته شده است. در روش تربیتی اسلام از آنجا که پدر و مادر به حقیقت وجودی انسان آگاه هستند و انسان را مستعد رسیدن به همه کمالات میدانند، در نتیجه هدف از تربیت فرزندان را رسیدن به کرامت و قرب الهی و متخلق شدن به صفات خداوند سبحان می‌دانند.

کودک، فطرت توحیدی و عواطف اخلاقی و برای پذیرش تربیت آمادگی دارد؛ بنابراین، از همان ابتدای کودکی باید فضای معنوی و توجه به پروردگار در اطراف کودک حاکم باشد تا این حس فطری شکوفا گردد. کودکانی که از همان اوان کودکی، با ایمان به خدا تربیت می‌شوند، اراده‌ای قوی و نیرومند دارند؛ رشید و با شهامت رشد می‌کنند و در مشکلات خود را نمی‌بازند و با نیروی ایمان تمام گردنه‌های جاده دنیا را به سلامت می‌پیمایند.

### منابع

۱. برک، لورا (۱۳۸۷)؛ روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی)؛ ترجمه یحیی سید محمدی؛ تهران: ارسباران
۲. هبیتی، خلیل؛ بررسی شیوه‌های فرزند پروری والدین و رابطه آن با شیوه‌های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستانهای رشد زرقان؛ پایان نامه کارشناسی ارشد؛ شیراز: دانشگاه شیراز. ۱۳۸۱
۳. بجدی، جواد (۱۳۹۲)؛ اهمیت و اصول تربیت فرزندان در پرتو کتاب و سنت.
۴. فلسفی، محمدتقی؛ (۱۳۶۶)، گفتار فلسفی، تهران: نشر آزادی
۵. محمدی، زکیه؛ "نقش پدر و مادر در پرورش و تربیت فرزندان"، پژوهشنامه اورمزد، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰
۶. غلامی تازه کندی، محمود؛ (۱۳۹۸)، ضرورت آموزش تربیت دینی به فرزندان،

<https://www.pana.ir/news/1008365>

۷. دلاوری پورپاریزی، محلوله؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی؛ شیوه‌های تربیت فرزندان، فصلنامه طهورا، ۱۳۸۹،

شماره ۷

۸. بیرامی، منصور؛ بهادری خسروشاهی، جعفر (۱۳۸۹). ارتباط شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان راهنمایی مدارس شهر ایلخچی. فصلنامه علوم تربیتی. سال سوم، شماره ۱۰، ۲۱ - ۷
۹. هیبتی، خلیل؛ (۱۳۸۱). بررسی شیوه های فرزند پروری والدین و رابطه آن با شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان های رشد زرقان پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز
۱۰. احدی، حسن؛ جمهری، فرهاد (۱۳۸۶). روان شناسی رشد (نوجوانی و بزرگسالی). انتشارات پردیس، چاپ چهارم،
۱۱. سجادی، مژگان (۱۳۹۲) مقایسه پرخاشگری با سبکهای فرزند پروری، مجله علمی سازمان نظام پزشکی، دوره ۳۱ ش ۴

۱۲. ری شهری، محمد (۱۳۸۶)؛ حکمت نامه کودک؛ ترجمه ع پسندیده؛ قم: دارالحدیث .
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ ق)؛ اصول کافی؛ تهران: المکتبه الاسلامیه.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ ق)؛ فروع الکافی؛ تهران: المکتبه الاسلامیه.
۱۵. کاردان و همکاران (۱۳۸۲) فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، تهران: سمت
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰) ده گفتار، قم: صدرا
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱) مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۵، قم: صدرا
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸) ولاء ها و ولایتها، قم: صدرا
۱۹. (بی نا)؛ سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام در تربیت فرزند، ۱۴۰۰،  
<https://www.balagh.ir/content/16562>
۲۰. امینی، ابراهیم، تربیت، قم: بوستان کتاب، هفتم، ۱۳۹۰ش، ص ۳۹.
۲۱. حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت: در تربیت فرزند، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ش، ص ۶۲.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۸۲.
۲۳. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، مصحح: محمد طوسی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق، ص ۴۴.
۲۴. طبرسی، حسن، مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی، چهارم، ۱۳۷۰ش، ص ۲۲۳.
۲۵. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۸۲ش، ص ۲۹۴.
۲۶. نهج البلاغه، نامه ۳۱